

## بحران کشمیر، تروریسم اسلامی، جنگ اتمی

محسن ابراهیمی



صفحه ۲

اتم بر سر جمعیت دو شهر هیروشیما و ناگازاکی ریخته اند و تجارب ارزشمندی از ابعاد جنایت اتمی دارند. "ما جنگ نمیخواهیم، حکام این دو کشور دنبال جنگند". این جملات را یک شهروند عادی پاکستانی در حالتی هراسناک و مستاصل به خبرنگار سی ان ان گفت. بی تردید مردم هند و بیشتر از همه دوازده میلیون مردم کشمیر که قربنرها در صلح و آرامش در کنار هم زیسته اند همین نظر را

هفت میلیون زخمی بر جای خواهد گذاشت. کشته شدن میلیونها نفر دیگر بر اثر گرسنگی، مسمومیت های ناشی از تشعشعات اتمی، طوفانهای آتش حاصل از انفجار بمب اتم پیامدهای بعدی است. نسل هایی از انسانهای منطقه دچار انواع بیماری ها خواهند شد، کودکان با نقص عضو بدنیا خواهند آمد و ... این تصویر هراسناک را باید از متخصصین پنتاگون پذیرفت که خودشان بمب

دولتهای پاکستان و هند، یک میلیون سرباز دست به ماشه را در دو سوی مرز مستقر کرده اند. گلوله باران اهالی روستاهای مرزی آغازه شده است. کلاهکهای اتمی شان را به رخ میکشند. از امکان تبادل بمب اتم صحبت میشود. تحلیلگران پنتاگون میگویند بکار گیری بمب اتم توسط دول پاکستان و هند در همان دقایق اول، دوازده میلیون کشته و

## دو تاکتیک در جنبش ملی - اسلامی

علی جوادی



بستر شکست دوم خرداد شکل گرفتهاند و هر دو میکوشند جایگزین پرچم دوم خرداد در این جنبش شوند. هر دو پرچمی برای اصلاح رژیم اسلامی و شراکت در قدرت سیاسی با آن هستند و به این اعتبار علیرغم تفاوتهاشان در کلیت خود در نقطه مقابل جنبش سرنگونی طلبی مردم و تلاشی برای مهار این جنبش هستند.

گرایش راست

جنبش ملی - اسلامی

این گرایش شائبهها و توهمات اولیه دوم خردادی را کاملاً به کناری نهاده است. پرچم "قانونگرایی" و یا به بیان دیگر پرچم "فرمانبرداری مدنی" را بر افراشته است. خواهان

صفحه ۴

## تجمعات و اعتراضات

کارگری ادامه دارد

صفحه ۳

## شوراهای اسلامی باید برجیده شوند!

محمود قزوینی



صفحه ۲

طبقه کارگر ایران آن غولی است که تکان آن میتواند به آسانی ساختمان پر از ترک رژیم جمهوری اسلامی را با خاک یکسان کند. جناحهای رژیم برای ترساندن یکدیگر این غول را به هم نشان میدهند و از تکان آن برای پایان دادن به همه چیز حرف میزنند.

حسن صادقی رئیس هیئت ملیه شوراهای اسلامی از جناح دو خرداد مدعی است که او و شوراهای اسلامی اش این توانایی را دارند

## "صف بندی های جدید سیاسی" از عوارض شکست دوم خرداد

مصطفی صابر



راست. مدتی پیش از این هم حجازیان، مغز متفکر اصلاحات، وقتی "استراتژی" اش را توضیح داده بود، اصلاحات مشروطه،

صفحه ۳

این روزها از "صف بندیهای جدید" سیاسی در درون جمهوری اسلامی میشنویم. میگویند که نزدیکی نیروهایی مثل نهضت آزادی به "بخش نواندیش" جناح راست "غیر" محتمل نیست. از آنطرف زمزمه بالا گرفتن اختلافات "سازندگی" با بقیه "اصلاح طلبان" بویژه "شراکت"، و نزدیکی حزب رفسنجانی (که خرداد است!) با جناح راست شنیده

میشود. از این طرف شمس الواعظین که با سلام و صلوات بدور اروپا چرخانده شد، پیامی نداشت جز آنکه "تند رفته ایم"، یعنی به زبان روشن سیاسی: زنده باد سازش و مصالحه با جناح

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

## بحران کشمیر ...

دارند. به این معنا، هر تعبیری که تنش های منطقه را به هر نحوی به جنگ هندوها و مسلمین تعبیر کند پوچ و بی پایه است. ادبیات ژورنالیسم جهانی، از همین اکنون با چنین تصویر سازی آشنا به استقبال بحران کشمیر رفته است: سه میلیون نفر در کشمیر پاکستان زندگی میکنند که همه مسلمانند، نه میلیون نفر در کشمیر زیر کنترل هند هستند که اکثریتشان مسلمان و اقلیتشان هندو هستند، هندوستان صد و بیست میلیون مسلمان دارد، جمعیت پاکستان تماما مسلم هستند و ... عینا مثل تراژدی پاکسازی قومی در منطقه بالکان، اینجا هم اول جنبشهای مذهبی و قومی با اتکا به پول و اسلحه دولتها بساط کشتار قومی و مذهبی راه میاندازد و مردم بیگناه را نابود و بیخانمان میکنند و بعدا مفسرین سیاسی ژورنالیسم جهانی همه این جنایات را به حساب مردمی که گویا اهل مدارا و تحمل نیستند میگذارند. تنش قومی و مذهبی در کشمیر هم از جنس همان تنشی است که

در دهسال گذشته مردم منطقه بالکان، مردم بوسنیا، سارایو، چینیا و آلبانی و قره باغ و دهها منطقه دیگر در جهان را به خاک و خون کشید. تا همین الان، بدون اینکه یک جنگ تمام عیار میان هند و پاکستان راه بیفتد، هزاران نفر مردم عادی در کشمیر قربانی تروریسم گروههای اسلامی از یکطرف و گروههای قوم پرست هندو از طرف دیگر بوده اند، گروههایی که از یکطرف توسط دولت اسلامی پاکستان و از طرف دیگر حزب حاکم ناسیونالیست بی جی پی در هند سازمان داده میشوند. گروههای اسلامی از قبیل جیش محمد و لشکر طیبیه و حرکت المجاهدین، که مثل القاعده بوسیله سازمان امنیت پاکستان راه افتاده اند، توسط نظامیان اسلامی پاکستان و ماموران سازمان سیا آموزش دیده اند و با پول حکومت اسلامی عربستان سر پا مانده اند. صفوف جنبش اسلامی طرفدار "آزادی کشمیر" پر از همان مرتجعین اسلامی است که برای مبارزه علیه خطر کمونیسم توسط آمریکا و دول ارتجاعی منطقه بسیج شده بودند و امروز بعد از پایان جنگ سرد، در آرزوی راه انداختن حکومت طالبانی در کشمیر هستند. اینجا هم مثل بالکان، دهها رئیس قبیله و سرکرده اسلامی صف کشیده اند تا مردم را

به نام مذهب و قوم کشتار کنند. بی دلیل نیست که ژنرال مشرف، این همکار و پشتیبان قدیمی ملاحمر و بن لادن که بعد از یازده سپتامبر مجبور شد به برادران اسلامیش موقتاً پشت کند، آزمایش موشکهای قادر به حمل کلاهک اتمی را با اسم رمز فاتحین اسلامی هندوستان انجام داد. تهدیدات اتمی ژنرال مشرف و اتال بیهارى و جپایی نخست وزیر هند ممکن است فقط یک تهدید باقی بماند اما در حد همین تهدید هم باید گفت که هم نظامیان اسلامی پاکستان و هم حزب بی جی پی، حزب ناسیونالیست حاکم در هند، میلیونها مردم منطقه را با زرادخانه اتمیشان به گروگان گرفته اند تا اهداف سیاسیشان را به پیش ببرند. راه انداختن و دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی ابزار قدیمی طبقات حاکم بوده و هست. اینجا هم همان اهداف کلاسیک عمل میکنند: دامن زدن به احساس ملی در مقابل دشمن خارجی مسلح به سلاح اتمی، علی العموم ابزار خفه کردن انفجار اجتماعی در داخل است که یک تهدید همیشگی بالای سر این حکومتهاست. دولتهای طبقه سرمایه دار هر دو کشور به چنین ابزارهایی نیاز دارند تا کارگران ناراضی، چند

ده میلیون جوان بیکار و بی خانمان، میلیونها گرسنگان حاشیه نشین دهلی و اسلام آباد را سرکوب کنند. اینجا هم مثل همه جای دنیا، این اهداف کلاسیک طبقات حاکم از فاکتورهای سیاسی بعد از یازده سپتامبر متاثرند. ژنرال مشرف، که موقتا بعد از یازده سپتامبر مجبور شد با بخشهایی از تروریسم اسلامی در بیافتد، میخواهد به نام آزادی کشمیر بخشهای دیگر همان جنبش اسلامی را مجددا زنده و تقویت کند. حکام پاکستان، این نیروی ارتجاعی را نه تنها علیه اعتراض کارگران، بلکه علیه هر نیروی چپ و هر جنبش سکولار و ضد مذهب نیاز دارد. در نقطه مقابل، حزب ناسیونالیست حاکم در هندوستان، اگر چه با اندکی تاخیر، میخواهد از اوضاع بعد از یازده سپتامبر هم برای تصفیه حساب با دشمن تاریخیش یعنی دولت پاکستان و هم برای تحکیم موقعیت حزب بی جی پی در منطقه بهره ببرد: اگر آمریکا دنبال نابودی تروریسم القاعده است چرا نباید از حزب حاکم در هند برای نابودی تروریسم اسلامی در کشمیر حمایت کند؟

مردم کشمیر حق دارند آزادانه زندگی کنند و آزادانه سرنوشت سیاسی خود را تعیین کنند. اما تا زمانیکه مردم منطقه همه روزه قربانی کشمکش

احزاب مسلح و آدمکش مذهبی و قومی میشوند و در استیصال بسر میبرند رسیدن به چنین هدفی غیر ممکن است. رهایی کشمیر، قبل از هر چیز و در درجه اول مستلزم کوتاه کردن دست گروههای تروریست اسلامی از منطقه و همچنین دور کردن دست احزاب مذهبی ناسیونالیست مثل بی جی پی از سرنوشت سیاسی شان است. هر چقدر جنبش اسلامی بیشتر خنثی شود، همانقدر میدان ابراز وجود ناسیونالیسم بی جی پی کمتر میشود. جنبش اسلامی که اساسا برای مهار کردن چپ و کمونیسم در این منطقه راه افتاده است در صورتی عقب رانده خواهد شد که جنبش کمونیستی در معادلات سیاسی دست بالا پیدا کند. تنها در صورتی و بدرجه ای که کارگران در هر دو کشور، مستقل از انتسابشان به این یا آن ملیت و مذهب، صفوف خود را متشکل کنند، از کمونیسم کارگری متاثر شوند و نیروی متحد کارگری و نیروهای معترض را علیه نظامهای حاکم به میدان بیاورند و قدرت سیاسی را بدست بگیرند جایی برای ابراز وجود جنبشهای مخرب اسلامی و قومی، و برای تهدید و به استیصال کشاندن مردم توسط بمب اتم نخواهد ماند. ■

از صفحه ۱

## شوراهای اسلامی ...

که از به جوش آمدن این غول و ریختن همه چیز به هم جلوگیری کنند. او برای ترساندن رقیب میگوید اگر زیاد روی دشمنان پا بگذارند خودشان را کنار میکنند و آنوقت دیگر کسی جلودار این غول نخواهد بود. حسن صادقی در مصاحبه ای با ایسنا می گوید " ... در دوره وزیر جدید کار برای کاهش خشونتها، حرکت را کند کرده و از توقعات آنها کاسته ایم، حال اگر آقایان به سرعت بیشتری تمایل دارند، ظرف سه ماه آن چنان به کارگران دور داده و خواسته های صنفی و سطح توقعات کارگران را بخصوص در بخش صنعت نفت و پتروشیمی افزایش خواهیم داد که صد تا وزیر و هیات دولت نیز قادر به کنترل آن نباشد".

وظیفه حسن صادقی و شوراهای اسلامی کار نه فقط در دوره وزیر کار جدید بلکه در طول عمر رژیم جمهوری اسلامی، مقابله با حرکت های اعتراضی کارگری و تلاش کارگران برای سازمان دادن تشکل های واقعی کارگری و در مواردی همراهی با حرکتهای اعتراضی کارگران برای مهار آنها و جلوگیری از گسترش دامنه اش بوده است. ادعای حسن صادقی طوری است

که گویا حرکتهای اعتراضی کارگران و مسیر جنبش کارگری به تصمیم آنها گره خورده است. اما این دروغی بیش نیست. این برای ترساندن رقیب در جناح مقابل است که تصمیم دارد آنها را از پیش پا بردارد. حسن صادقی و شوراهای اسلامی به تنهایی کاره ای نیستند. بدون وزارت اطلاعات و اداره حراست و انجمنهای اسلامی، سپاه و دیگر نیروهای سرکوبگر رژیم، حسن صادقی و شوراهای اسلامی و خانه کارگرش در عرض چند ساعت از همه کارخانه ها جارو میشوند. حسن صادقی و شوراهای اسلامی نمیتوانند به تنهایی "حرکت کارگران را کند کرده و از توقعات آنها بکاهند و مانع خشونتها شوند". ترس از سرکوب بیرحمانه که سالها کارگران آن را تجربه کرده اند، ترس از دست دادن شغل، ترس از زندان و شکنجه و اعدام، ترس از یورش سپاه و نیروهای چاقوکش بسیجی و اوپاش به کارخانه و به تظاهراتهای خیابانی، عوامل اساسی است که از سطح توقع کارگران و حرکتهای اعتراضی کارگران میکاهند. علیرغم ضعیف شدن رژیم و محتاط شدن بیشتر آن در کاربرد نیروی سرکوب علیه کارگران و علیرغم تغییر روحیه کارگران در سالهای اخیر که گسترش موج اعتراضات گویای آن است، هنوز ترس کارگران از نیروی سرکوب رژیم اساسی ترین عنصر در تعیین سطح توقعات و دامنه و چگونگی اعتراضات

کارگری است. بدون وجود نیروی سرکوبگر و قوه قهریه رژیم، حسن صادقی هیچ کاری را نمیتواند پیش ببرد و خودش مورد آماج خشم کارگران قرار میگردد. حسن صادقی و شوراهای اسلامی و خانه کارگر علیرغم اینکه در میان کارگران جایی ندارند، اما حضورشان در میان کارگران و ژست مدافع حقوق کارگر گرفتن، جایگاه خاصی به آنها در کنار دیگر ارگانهای امنیتی و سرکوبگر رژیم در مقابله با جنبش کارگری میدهد که با حذف آن، مقابله با جنبش کارگری برای رژیم دشوارتر و ناممکن میشود. با درک این جایگاه است که حسن صادقی جناح مقابل را تهدید میکند و میگوید "طرف سه ماه آنچنان به کارگران دور داده و خواسته های صنفی و سطح توقعات کارگران را بخصوص در بخش صنعت نفت و پتروشیمی افزایش خواهیم داد که صد تا وزیر و هیات دولت نیز قادر به کنترل آن نباشند". در این تهدیدات واقعیتی نهفته است. حسن صادقی و شوراهای اسلامی یک پای کنترل کارگران توسط رژیمند که بدون آنها، دستگاههای دیگر رژیم که وظیفه سرکوب مستقیم و ایجاد ترس را دارند نمیتوانند کارشان را پیش ببرند و در برابر کارگران و مردم شکست میخورند. این ادعای او که او میتواند توقعات کارگران را افزایش دهد که صد تا وزیر و

هیئت دولت نیز قادر به کنترلش نباشند از یک واقعیت سخن میگوید و آن اینکه در صورتیکه کارگران به حرکت در آیند همه چیز عوض خواهد شد و در اولین قدم از جمهوری اسلامی چیزی باقی نخواهد ماند.

شوراهای اسلامی به موازات سرکوب کارگران و تشکلهای کارگری، از طرف رژیم شکل گرفتند و یک پای سرکوب کارگران بودند. شوراهای اسلامی را برپا کردند تا بتوانند کارگران را از داشتن تشکل واقعی خود برحذر دارند. پروژه شوراهای اسلامی هیچگاه در میان کارگران جایی باز نکرد و همیشه رژیم و خانه کارگر و عناصرش مانند حسن صادقی از عدم استقبال کارگران از شوراهای اسلامی شاکی بوده اند. اظهارات جدید حسن صادقی مبنی بر نفوذ شوراهای اسلامی برای کنترل کارگران فقط برای ترساندن جناح مقابل از پتانسیل طبقه کارگر برای نابودی رژیم است. حسن صادقی از اینکه جناح راست گاهای برای فشار به جناح خاتمی با اعتراضات کارگری همراهی میکند خشمگین است و به آنها هشدار میدهد که اگر قرار به همراهی با کارگران باشد شوراهای اسلامی بهتر میتوانند این کار را انجام دهند. اما آنوقت دیگر پتانسیل مبارزاتی کارگران اجازه بروز مییابد که صد تا هیئت دولت و وزیران هم جلودارش نیست. و به زبان آدمیزاد

رژیم اسلامی نابود خواهد شد. حسن صادقی در بخشی دیگر از صحبتهایش در پاسخ به حرفهای برخی از کارگران که گفته بودند شوراهای اسلامی جایی در میان کارگران ندارند، دست به تهدید زد. اما تهدیدات وی دیگر کارساز نیست. امثال حسن صادقی ها هر چقدر در تصفیه و اعدام و زندانی کردن کارگران مبارز در سالهای دهه ۶۰ بی مهابا بودند، اما امروز مجبورند بپذیرند که کارگران در عرض سه ماه همه چیز را دگرگون خواهند کرد و حسن صادقی نمیتواند مانند دوستانش در سالهای ۶۰ عمل کند. دور جدید اعتراضات و اعتصابات کارگری که بر متن پیشروی مبارزات کل مردم و تحمیل عقب نشینی های بیشتر بر رژیم و اختلافات حاد درونی رژیم انجام میشود، از موقعیت مناسبی برای پیشروی برخوردار است. شوراهای اسلامی و دستگاههای سرکوب رژیم، یارای ایستادن در مقابل جنبش کارگران را ندارند. فرصت برای انسجام و ارتباط بیشتر میان رهبران کارگری و ماهانگی و گسترش اعتراضات وجود دارد. هم اکنون باید خواست برجیدن شوراهای اسلامی را بیش از پیش به جلو راند. برپائی مجامع عمومی کارگری در محل کار و ابراز وجود قدرت جمعی کارگران در مقابل کارفرما و دولت میتواند و باید در همه جا جای خود را باز کند. ■

از صفحه ۱

## از عوارض شکست ...

یا به زبان روشن سیاسی اصلاحات زیر بیرق آقا، را فرموله کرده بود. در یک سطح، معنی "صف بندی های جدید" عملاً چیزی جز مسابقه دوم خرده‌های حکومتی و "خودی" برای نزدیکی به جناح راست و یا "بخش‌هایی" از آن، و دلخوش کردن به خرده امتیازات اعطایی از سوی "رهبر" نیست. ولی آیا این چیز جدیدی است؟ مگر اصلاح جمهوری اسلامی از بالا و بدون میدان باز کردن برای دخالت مردم، اصولاً و عملاً چیزی جز رفتن زیر عباي رهبر یا حداکثر "مشروطه" خواهی بود؟ مگر قرار گرفتن خاتمی در کنار خامنه‌ای و صدور فرمان سرکوب در ۱۸ تیر و یا پایین دادن آب دهان و گفتن بله قرین مجلس بعد از فرمان ولایتی مربوط به قانون مطبوعات، غیر از "اجتناب از تندروی"، سر فرود آوردن در برابر جناح راست و آن چیزی بود که حالا بعنوان نتیجه "صف بندی جدید" اینجا و آنجا طرح میشود؟ "صف بندی های جدید"، مثل "وفاق ملی"، مثل "آرامش فعال" و نظایر آن نامی است برای جدال های بخش های مختلف رژیم اسلامی بر سر پیدا کردن راهی جهت بقا، و نجات رژیم بحران زده اسلامی که از لحاظ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ورشکسته است. نامی است برای وقت خریدن و در انتظار امام زمان نشست!

"صف بندی های جدید" البته از یک جنبه معنی مشخص و نسبتاً تازه دارد. اکنون با شکست کامل پروژه اصلاحات، که قرار بود پایه اجتماعی جمهوری اسلامی را قدری وسعت بدهد و بخش‌هایی از مغضوبین و کنار گذاشته های سابق را تا حدی در قدرت سهیم کند، عوارض این شکست دارد خود را در صفوف جنبش ملی اسلامی به تمامی نشان میدهد. این مدافعان "اصلاحات" در خارج حکومت که بیرون آن صف کشیده بودند تا بواسطه توسعه سیاسی و "جامعه مدنی" آقای خاتمی دستشان جایی در آن مملکت بند شود، حالا در کمال یاس متوجه میشوند که "جنبش اصلاحات" شان پوچ بود. عاقلانترها و "خودی" تر های اینها مثل یزدی و سبحانی و پیمان، راز بقا خود را واقع بینانه در فرو رفتن بیش از پیش در منجلاب جمهوری اسلامی می بینند. آنها میدانند که یک نی و صد نی برای آنها فرق نمی کند. اما آنهایی که دورتر از حکومت بودند وضع تیره و تاری دارند. در میان اینها هم "عقلاً" دنبال فرمولبنی

برای آنچه که حجابیان و یزدی و غیره پیش از این گفته اند، خواهند گشت. اما حتی در بین اینها هم دیگر کسی به عقلا و پیشکسوتان گوش نمی دهد. اتوریته ها فروریخته اند و خط گم شده است. به کنگره اکثریت نگاه کنید تا میزان سردرگمی و بی افقی اینها را دریابید. اکنون اینها دارند دست یکدیگر را رو میکنند و از روابط پنهانی با رژیم و بنگاههای تجاری شان در ایران پرده بر میدارند. حالا آن کسانی که تئوریهای سعید حجابیان ها و اکبر گنجی ها را "قرقره" "دمکراتیک"، "لیبرالی"، "سوسیال دمکراتیک" و حتی "مارکسی" کرده بودند و پایه های عمیق اقتصادی، تاریخی و فرهنگی برای پدیده خاتمی کشف کرده و آنرا بعنوان یک ضرورت و نیاز تاریخی به خورد ملت میدادند، باید فکری به حال خودشان بکنند. لابد باید تئوریهای جدید کشف کنند و بسوی "صف بندی های جدید" بشتابند. چه بسی قهرمانهای جدید و "خارج از حکومت" برای "جنبش اصلاحات" خود بترانند. چه بسی در رویای "طبقه متوسط" خویش بازم بیشتر فرو روند.

یک چیز از همه اینها بسیار آشکار است. آن جنبشی که حول خاتمی و "اصلاحات" و بر متن تعرض مردم به جمهوری اسلامی

**حمید تقوایی دبیر کمیته مرکزی** 001 647 885 2485

**کوروش مدرسی رئیس دفتر سیاسی** 0044 774 863 0833

**اصغر کریمی** 0044 -771 4097928

**آذر مدرسی دبیر تشکیلات خارج** 00447815902237

**رحمان حسین زاده-دبیر کمیته کردستان حزب؛**

0046-739 855 837

**اسد گلچینی - دبیر تشکیلات کل کشور**

0044 7940 416 768

**شهلا دانشفر؛ دفتر مرکزی حزب** 00447950517465

**بهرام مدرسی - دبیر کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست؛**

0049174 944 0201

**از سایت روزنه دیدن کنید**

[www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)

**انترناسیونال هفتگی**

**را تکثیر و پخش کنید**

**رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنوید**

[www.radio-international.org](http://www.radio-international.org)

## تجمعات و اعتراضات کارگری ادامه دارد

رسیدگی فوری به مشکلات خود شدند. کارگران جهان چیت، آنهم بعد از اعتصابات مکرر، تنها موفق به دریافت حقوق اسفند ماه خود شده اند و حقوق و مزایای کاری آنان از ماه اسفند تا کنون پرداخت نشده است. کارگران خواهان رسیدگی دولت به مشکلات خود و دریافت فوری حقوقهای معوقه خود هستند.

\* کارگران شرکت "بافت آزادی" در اعتراض به اخراج ۴۰۰ نفر از رفقای کارگر خود و بازگرداندن سهام کارخانه به کارگران از روز سه شنبه هفته گذشته همراه با خانواده هایشان در این کارخانه دست به اعتصاب زدند. شورای تامین استان تهران نیز حکم اخراج این کارگران را تایید کرده است و این موجب اعتراض کارگران به شورای تامین استان تهران شده است.

\* جمعی از کارگران کارخانه پوشاک لرستان در اعتراض به تعطیل شدن این کارخانه و بیکار شدن خود در جلو استانداری لرستان تجمع کردند. این کارخانه ۱۳۷ کارگر دارد. کارگران با سابقه ۱۲ سال کار، دوسال است بیکار هستند. کارگران خواستار رسیدگی فوری دولت و کارفرما به مشکلات خود هستند.

\* با تحصن مجدد کارکنان دانشگاه فاطمیه قم، این دانشگاه تعطیل شد. تحصن کارکنان دانشگاه فاطمیه قم که از اول خرداد ماه جاری شروع شده بود بعلت برآورده نشدن خواستههایشان مجدداً از سر گرفته شده است. بدنیاال این تحصن استادان نیز دست به تحصن زدند.

حزب کمونیست کارگری، کارگران واحدها و مراکز مختلف و کارگران بیکار را به اقدام و اعتراضی هماهنگ و سراسری فرا میخواند. تنها اعتراضات سراسری و متحد کارگران میتوانند جمهوری اسلامی و کارفرمایان را به عقب نشینی وادارد و راه را برای رهائی کامل کارگران و مردم محروم از فقر و نابرابری و ستم و سرکوب باز کند. حزب همه مردم آزاده را به حمایت از اعتراض کارگران فرا میخواند. ■

\* حدود ۱۰۰ نفر از کارگران بازرگانی شرکت نگهدار وابسته به گروه صنعتی کفش ملی در اعتراض به اخراج خود جلو اداره کار جمهوری اسلامی (شعبه شرق تهران) از روز شنبه ۱۱ خرداد ماه تحصن کرده اند. این کارگران که هرکدام از ۲۰ تا ۳۰ سال سابقه کار دارند بدستور این شرکت از خرداد ماه ۸۱ از کار اخراج شده اند. کارگران خواهان رسیدگی فوری دولت و کارفرما به وضع خود شده و خواهان بازگشت به سر کار خود هستند. تاکنون دولت و کارفرما به درخواست آنان جوابی نداده اند.

\* کارگران و جوانان بیکار خرم آباد در اعتراض به قطع وام بیکاری و عدم تامین شغلی خود در مقابل استانداری لرستان تجمع اعتراضی برپا کردند. آنها اعلام کردند که ساهاست بدنیاال شغل و کار سرگرداند، اما هنوز خبری از اشتغال نیست و وام بیکاری نیز قطع شده است. اجتماع کنندگان گفتند که اگر اقدام عملی ای برای رفع مشکلات آنان نشود، دست به تحصن و راه پیمائی خواهند زد. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی یه اجتماع کارگران و جوانان بیکار حملهور شد و تعدادی از آنان را دستگیر کرد.

\* دو هفته پیش بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران شرکت جامکو در اعتراض به عدم دریافت حقوقهای معوقه خود و عدم رسیدگی دولت و کارفرما به مشکلات معیشتی آنان در برابر دفتر خاتمی تجمع کردند. کارگران جامکو ۱۶ ماه است حقوقهای خود را دریافت نکرده اند. کارگران خواستار حضور نماینده خاتمی شدند، اما کسی حاضر به مذاکره با آنان نشد.

\* کارگران جهان چیت کرج که حقوقهای معوقه چند ماه گذشته خود را دریافت نکرده اند، سه شنبه ۷ خرداد ماه مجدداً دست به اعتصاب زدند. کارگران کارخانه جهان چیت کرج هفته گذشته نیز در اعتراض به عدم دریافت حقوقهای معوقه خود در یکی از چهار راههای اصلی شهر کرج تحصن کردند و سپس با حرکت بسوی فرمانداری این شهر خواستار

**مرگ بر جمهوری اسلامی!  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

از صفحه ۱

## دو تاکتیک در جنبش

### ملی - اسلامی

زدودن هرگونه برداشت و توقع "غیر مجاز" از "جنبش اصلاحات" است. خواهان آنند که "قانونگرایی" و "فرمانبرداری" از قانون اساسی اسلامی پرچم "جنبش اصلاحات" در ایران شود. به "زیاده خواهی‌های" گذشته خود منتقدند. ارزیابی‌شان از "بن بست اصلاحات" بر پایه نقد از سرعت "اصلاحات" و تاکتیک‌های تاکتونی آن استوار است. این پرچم گرایش راست در صفوف ملی-اسلامی‌ها است. خاتمی کلیت ملی سیاست را چنین بیان میکند: "اصلاحات چیزی جز اجرای قانون اساسی نیست." شمس الواعظین میگوید: "موضوع اصلی در ایران نه تغییر قانون بلکه اجرای آن است." "کروبی میگوید: "آنچه عده‌ای در مورد تغییر قانون اساسی مطرح میکنند را قبول ندارم و آن را تأیید نمیکنم."

این سیاست البته محدود به نیروهای دورن حاکمیت اسلامی نیست. هوچرترین‌شان در بیرون حاکمیت است. فرخ نگهدار از اکثریتی‌ها میگوید: "نهضت جاری اصلاح طلبی در ایران ماهیتاً نهضتی قانون گرایانه است و هیچ مورد ترمذ از قانون هویت بخش آن نشده است." محسن حیدریان از زبان کانت نسبت به عواقب هر درجه از سرپیچی از قانون هشدار میدهد. میگوید: "حتی حکومت استبدادی بهتر از بی قانونی و هرج و مرج است." و اضافه میکند: "اگر حکومت ... دست به خودکامگی از راه خشونت آمیز زند مظلومین مجاز به مقاومت خشونت آمیز در برابر او نیستند. ... بدین ترتیب کانت هیچ جایی برای نافرمانی همگانی علیه حکومت باقی نمیگذارد." "تماشایی است! پرچم این صف پرچم اطاعت و تسلیم مردم به رژیم است. کاری که جناح راست با توسل به سرکوب مستقیم و شمشیر خونین و دو لبه علی هم قادر به تحقق آن نشد، آنهم در شرایطی که خودشان اعتراف میکنند که "جامعه در حال انفجار" است. واقعیت این است که این جریان بجز خودش کس دیگری را در کنار خودش ندارد. کاملاً بی آبرو است. بخش خارج حکومتی آن ظاهر "اپوزیسیون" را هم به کناری نهاده است. فقط یک رکن رژیم اسلامی "ب" است. این

گرایش از "جنبش اصلاحات" برای پیشبرد اهداف خود اساس سیاستش را جلب رضایت و "چانه زنی" بیشتر با جناح راست و خامنه‌ای قرار داده است. نقطه امید این صف نه توهم و یا باور کودکانانه نیروهای جنبش ملی-اسلامی به این سیاستها بلکه هراس از آینده تحولات ایران، هراس از سرنگونی رژیم اسلامی، هراس از قدرت گیری رادیکالیسم و آزادیخواهی و کمونیسم است. این نیرو میکوشد پرچم ترس و هراس از آینده را مبنای اتحاد صفوفش در شرایط حاضر قرار دهد.

### گرایش چپ جنبش ملی-اسلامی

"انقلاب آرام"، "نافرمانی مدنی"، و "رفرانوم" اجزای پرچم دیگری است که در صفوف جنبش ملی-اسلامی بلند شده است. (برخی از این سیاستها از جانب طیفهایی از سلطنت طلبان نیز تبلیغ میشود.) خطوط اصلی استدلالات این گرایش از این قرار است: جناح راست تسلیم پروژه "اصلاحات" نمیشود، اصلاح طلبان حکومتی زیادی پایبند قوانین موجود هستند، به "مردم متکی" نیستند، و از "تمامی ذخایر جامعه" برای پیشبرد پروژه "اصلاحات" استفاده نمیکنند. معتقدند در چهارچوب فعالیت قانونی با توجه به زیاده روی های قوه قضائیه دیگر نمیتوان به تمامی اهداف "اصلاحات" دست یافت. از اینرو خواهان کشاندن مرکز ثقل فعالیت این جنبش به بیرون از مجلس و خارج کردن رهبری آن از دست خاتمی و رهبران تاکتونی آن هستند. از اصلاح طلبان حکومتی ناامید شده‌اند. هر چند که از آنها قطع امید هم نکرده‌اند. از کرنش دوم خردا پهلای حاکمیت در مقابل "ولی فقیه" ناراضی‌اند. میگویند "ولایت فقیه" با قانون اساسی و "اصلاحات" آشتی پذیر نیست. به پوچی سیاستهای تاکتونی دوم خرداد برای مهار اعتراضات مردم پی برده‌اند. اما تصور میکنند خود قادر به کنترل انزجار مردم از رژیمند. در این صف بعضاً از سکولاریسم و جدایی دین از دولت سخن به میان آورده میشود. بر ضرورت ایستادن در مقابل خامنه‌ای و "استبداد ولایت فقیه" تأکیداتی دارند. میکوشند برای خود جایگاه و اعتباری در صفوف اپوزیسیون رژیم اسلامی دست و پا "ب" کنند. پس از شکست پروسه قانونی تحولات در مجلس اسلامی به سیاستهای "فراقانونی" روی آورده‌اند. سیاست "انقلاب آرام"،

"نافرمانی مدنی" و "رفرانوم" را در شرایط حاضر دریچهای برای بقاء و نقطه امید به آینده جنبش "اصلاحات" در ایران میدانند.

اما این سیاستها ربطی به سرپیچی و اعتراضات روزمره مردم به قوانین و سنن و رسومات حکومت اسلامی "ب" ندارد و نباید با آن اشتباه گرفته شود. مردم ۲۴ سال است که در اشکال مختلف مشغول "نافرمانی" و اعتراض و زیر پا گذاشتن قوانین رژیم اسلامی هستند. بر عکس "نافرمانی مدنی" و "انقلاب آرام" در عین حال فرمول و تلاشی برای کنترل همین اعتراضات مردم است. در یک کلام یعنی به رژیم تعرض نکنید. این پرچم ادامه سیاست "فشار از پایین" دوم خرداد است. سیاستی که رکن دیگرش یعنی "چانه زنی در بالا" را گرایش راست این جنبش در دست گرفته است. جوهر پیام این جریان به مردم این است که جمهوری اسلامی را سرنگون نکنید، با "نافرمانی مدنی" و "انقلاب آرام" و "گل" وادار به اصلاحش میکنیم و پیروز میشویم! رسانتش امیدوار نگهداشتن مردم به پروژه "اصلاحات" است. این پرچم مشتق دوم تقلابهای تاکتونی دوم خرداد است. سیاستی برای جلوگیری از تعمیق جنبش سرنگونی طلبانه و انقلابی مردم است.

اما مشکل و ضعف اصلی این جریان این است که یا از عمق نفرت مردم از رژیم بیخبر است و یا خودش را به نفهمی زده است. در هر دو حالت نتیجه یکی است. این جریان از بیماری توهمات دوم خردادی نسبت به نقش خودش رنج میبرد. باور ندارد که رادیکالیسم مردم قابل مهار نیست. باور ندارد که این مردم کلیت حکومت مذهبی را نمیخواهند. اسلام نمیخواهند. حجاب نمیخواهند. زلنای سیاسی نمیخواهند. روزنامه و مطبوعات آزاد میخواهند. خواهان تمام آزادی‌اند. حزب و اتحادیه و شورا و مجمع عمومی میخواهند. حقوق مدنی و شهروندی وسیع میخواهند. طب و بهداشت رایگان میخواهند. رفاه میخواهند. بیمه بیکاری میخواهند. روابط آزاد و مدرن و برابر و امروزی میخواهند. همانطور که جلوگیری از اعتراضات مردم با جنبش ارتجاعی دوم خرداد ممکن نشد، استراتژی مهار این اعتراضات و جنبش سرنگونی طلبی تحت پرچم "انقلاب آرام"، "نافرمانی مدنی" و یا "رفرانوم" امری محتمل نیست. بعلاوه شکست

## انجمن مارکس لندن

ورود برای عموم آزاد است

شنبه ۸ ژوئن ۲۰۰۲ - ۱۲ تا ۶ بعد از ظهر

انقلاب روسیه ۱۹۱۷ - ۱۹۲۷ بررسی تحلیلی  
جلسه سوم: از انقلاب اکتبر تا مرگ لنین  
کوروش مدرسی

آدرس: (جنب ایستگاه، Faringdon)  
The Cross, 35 Cowcross Street

لطفا راس ساعت ۱۱/۵ در محل حضور بهم رسانید  
ورودی ۵ پوند

ورود کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال ممنوع است  
لطفا دوربین و ضبط صوت همراه نیاورید

تلفن تماس: 077 302 64611  
ای میل: marx\_society@yahoo.com

## انجمن مارکس کانادا

ورود برای عموم آزاد است

شنبه ۸ ژوئن ۲۰۰۲ - ۶ تا ۱۱ بعد از ظهر - تورنتو

تاریخ نظری کمونیسم کارگری (بخش دوم: کمونیسم کارگری)  
جلسه دوم: نقد دموکراسی، ناسیونالیسم و مذهب

### حمید تقوائی

برای اطلاع از محل جلسه با تلفن یا ای میل زیر تماس بگیرید:  
تلفن: 416 737 9500  
ای میل: marx\_can1@yahoo.com

اسلامی جدال و جنگ جناحهای رژیم اسلامی و پروژه اصلاح خارج کاملاً از مرکز توجه مردم خارج شده و از سکه افتاده است. اکنون صورت مساله "ب" و سوال پایهای مردم چگونگی سرنگونی رژیم اسلامی است. چه باید کرد؟ کدام شعارها؟ کدام افق؟ کدام رهبران؟ کدام نیرو در راس این جنبش قرار خواهد گرفت؟ اما این جدالی میان چپ و راست جامعه است. جدالی میان آلترناتیو کارگر و کمونیسم و آلترناتیو اپوزیسیون بورژوازی پرو غربی است. این دوران برای جنبش کمونیسم کارگری حساس و تعیین کننده و در عین حال مساعد است. ■

دوم خرداد ناشی از تاکتیکهای غلط آن نبود. بلکه از پوچی استراتژی اصلاح رژیم اسلامی بود. بهرحال این جریان فاقد استراتژی روشن و اثباتی برای تحقق اهدافش است. جداییت دوم خرداد برای جریانات ملی و اسلامی در این بود که در حاکمیت حضور داشت. این جریان از اهرم شرکت در حاکمیت بی بهره است. در شرایط پیشا دوم خردادی است. پا در هوا است. و هر چه بیشتر در زمین "نافرمانی" بکارد خود کمتر محصول آن را درو خواهد کرد. با شکست دوم خرداد و کلا حاشیهای شدن نیروهای جنبش ملی-

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.wpiran.org  
www.wpibriefing.com  
www.rowzane.com  
www.hambastegi.org  
www.childrenfirstinternational.org  
www.jawanan.org  
www.iwsolidarity.com  
www.medusa2000.com  
www.marxsociety.com  
www.kvwpiran.org

Bank Account:

Z.I. Konto:  
520 5164 008  
BLZ: 10090000  
Beliner Volksbank  
Germany

Website:

www.haftegi.com  
Email:  
haftegi@yahoo.com  
Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927  
London  
WC1N 3XX  
England